



تاثیر اصلاحات ارضی بر خرده بورژوازی روستایی و توسعه شهری در کرمانشاه و ایلام

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۲۴ | تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰

فرهاد جمشیدیان

دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، گرایش مسائل ایران، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی،
کرمانشاه، ایران. farhad2403j@gmail.com

حمیدرضا سعیدی نژاد

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.
seedynezhad48@gmail.com (نویسنده مسئول)

سیروس محبی

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.
dr.sirousmohebi@yahoo.com

ادریس بهشتی نیا

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.
behestinia@tauksh.ir

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: اصلاحات ارضی از جایگاه منحصر به فردی برخوردار است. اصلاحات ارضی موقعیت دیگر افشار اجتماعی همانند سوداگران، معامله گران و سلفخرها دچار تغییر شد. مهمترین تاثیر اصلاحات ارضی بر خرده بورژوازی روستایی کرمانشاه و ایلام کدام است؟ پاسخ این فرضیه این چنین مطرح شده است که قشر صنعتگران روستایی پس از اصلاحات ارضی تضعیف شد. علت این امر ورود کالای شهری به درون روستا بود.

روش پژوهش: روش تحقیق توصیفی تحلیلی با استفاده از کتب، پایان نامه‌ها و مقالات می‌باشد. منابع دست اول کتب حقوقی و منابع دست دوم پژوهش‌های حاضر و مقالات مرتبط است که در نشریات و سایت‌های اینترنتی و پژوهشی و تحقیقات مرتبط با موضوع تحقیق بر این اساس از منابع فوق الذکر استفاده گردیده است.

یافته‌ها: مقوله‌های عمده و مقوله‌های هسته استخراج شده که تعداد مفاهیم عمده ۲۲، تعداد مقاله عمده ۸، تم فشار سرمایه‌داری، تعداد مقالات ۲۴، تعداد مفاهیم عمده، تعداد مقاله عمده ۸، تم ماشینی شدن کشاورزی، شرایط علی در روند تجزیه و تحلیل داده‌ها، «تجاری شدن کشاورزی»، «گذار از زمین داری»، «ظهور نظام ارباب و رعیتی مدرن»، «فشار سرمایه‌داری»، «توسعه شهر نشینی»، «نفت» و «بازدهی پایین» عمده ترین مقوله‌های شرایط علی بوده.

نتیجه گیری: یکی از مشخصه برنامه اصلاحات ارضی در کرمانشاه و ایلام انطباق تقسیم زمین باطبقه بندی سنتی جامعه روستایی بود به این معنا برخی گروه های روستایی را بورژواهای خوش نشین نامیده است. پس از تقسیم اراضی بین زارعان و گسترش ارتباط بین جامعه شهری و روستایی بود مغاز داران شهری نیاز های مصرف روستاییان را به روستا می آوردند و به فروش می رساندند. همزمان با رشد طبقه دهقانی، طبقه کارگران روستایی نیز گسترش یافت و بخش زیادی از روستاییان که به مالکیت زمین دست نیافتند به صورت کارگر در بخش های دیگر اقتصادی به فعالیت مشغول شدند. کاهش ظرفیت بخش کشاورزی در جذب نیروهای فعال جامعه روستایی و موجب تشدید این مسئله شد و بر جمعیت افراد بیکار افزود. این نیروها نیز به منظور یافتن شغل به مرکز شهری و منطقه و نواحی دیگر مهاجرت می کردند.

واژگان کلیدی: اصلاحات ارضی، طبقات اجتماعی، مهاجرت به شهرها، ساختار اجتماعی، توسعه شهری

مقدمه

از مجموعه عواملی که وضعیت عمومی کشور را از اواسط دهه ۱۳۴۰ ه. ش تا اواسط دهه ۱۳۵۰ ه. ش رقم زده‌اند اصلاحات اراضی از جایگاه منحصر به فردی برخوردار است. حکومت محمدرضا پهلوی به منظور انجام اصلاحات ارضی دست به اجرای برنامه‌ای زد که هدف آن رسیدن به نتایج اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مهم برای ارتقای روستائیان بود و تقریباً نیمی از خانواده‌های روستایی را مالک دست کم قطعه زمین کوچکی ساخت. انگیزه اصلی این برنامه بیش از آن که اقتصادی باشد، سیاسی بود. بنابراین از همان آغاز درباره اهداف و نتایج عملی اصلاحات ارضی، تناقضاتی وجود داشت. جدی‌ترین تناقضات به زارعان مربوط می‌شد که ظاهراً قرار بود بیش از همه از اصلاحات ارضی منتفع شوند. روش‌هایی که برای اجرای اصلاحات ارضی در نظر گرفته شد، به گونه‌ای بود که اکثریت قابل توجه روستائیان نه تنها از تقسیم اراضی سود مادی قابل ملاحظه‌ای نبردند، بلکه در طول چند سال شرایط اقتصادی آنان به تدریج بدتر هم شد. در مقدمه قانون اصلاحات ارضی، اهداف اصلی و اساسی دولت را از تصویب و اجرای قانون فوق چنین بیان کرده است: همگام و همزمان با تحولات سریع اجتماعی و صنعتی ضرورت ایجاد می‌کند که برای تحکیم پایه‌های اقتصاد کشور و بهبود زندگی مردم این سرزمین، تحولی بزرگ در امر کشاورزی نیز پدید آید. بدین منظور، لایحه اصلاحات ارضی تقدیم مجلس شورای ملی می‌گردد که در آن دو مقصود اساسی وجود دارد: یکی ازدیاد تولید و دیگری تعمیم عدالت. اجرای برنامه‌های مربوط به اصلاحات ارضی موجب خواهد شد مالکیت زمین‌های زراعی تعمیم یابد، از آب و خاک کشور بیشتر و بهتر بهره‌برداری شود، روش‌های تازه تری با سرعت و سهولت بیشتر در کشاورزی به کار رود، میزان محصول در واحد سطح مزروعی کشور توسعه یابد، و در روابط مالک و زارع، بر اساس عدالت و به تناسب سهم واقعی که هر یک در امر تولید به عهده دارند، اصلاحات اساسی به عمل آید. اصلاحات ارضی وسیله‌ای بود برای خنثی کردن جنبش‌های احتمالی روستایی و دهقانی. پس، روستائیان هم می‌توانند حافظ وضع موجود باشند، و هم می‌توانند به گونه قوای ضربتی انقلاب عمل کنند. اینکه یک روستایی کدام یک از این دو نقش را بازی می‌کند، بستگی به آن دارد که نظام موجود تا چه اندازه نیازهای اقتصادی و مادی شناخته شده او را برآورد می‌سازد. این نیازها معمولاً بر محور نحوه تصرف زمین،

اجاره‌داری، مالیات‌ها و قیمت‌ها دور می‌زنند. بنابراین، روستائیان زمانی انقلابی می‌شوند که اوضاع مالکیت زمین، اجاره داری، کار، مالیات‌ها و قیمت‌ها بر ایشان تحمل ناپذیری شده باشد. اصلاحات ارضی و تقسیم اراضی وسیله‌ای است که دهقانان را از حالت منبع بالقوه انقلاب می‌آورد و به یک نیروی اجتماعی اساساً محافظه کار تبدیل می‌کند. اصلاحات ارضی و سرمایه‌داری وابسته حاکم، موجب توسعه و روابط پولی و رشد سرمایه‌داری مالی (به ویژه دیوانی) در روستاها شد. بعد از اصلاحات ارضی، اوضاع عوض شد. مزدور شدن عده‌ای از رعایا، لزوم پرداخت قسط زمین، توسعه مصرف کالاهای تولیدی (کود شیمیایی، بذر اصلاح شده و ماشین‌آلات کشاورزی و مصرفی، زیاد شدن خوش‌نشینان، سبب توسعه روزافزون روابط پولی سرمایه‌داری در روستاها گردید. ۱۵ دولت نیز با تأسیس شرکت‌های تعاونی، که کار اساسی شان وام دادن به روستائیان بود، ولی کالا هم می‌فروختند، گام‌های حساب شده‌ای در جهت منافع سرمایه‌داری وابسته و دیوانی (خدماتی) برداشت. این شرکت‌ها اولاً روابط پولی را در ده رشد می‌دهند، مصرف کالاهای جدید را در روستاها ترویج می‌کنند و ثانیاً سودی از بابت بهره وام‌ها، نصیب دولت می‌کنند. در استان‌های ایلام و کرمانشاه که از دیرباز یکی از مناطق عشایری و دارای سبک زندگی کوچ‌نشین بوده‌اند، برنامه‌ی اصلاحات ارضی می‌توانست یک تحول بنیادی در سبک زندگی بخش اعظمی از مردم را به همراه داشته باشد. موضوع یک جانشین کردن عشایر کرمانشاه و ایلام از عهد رضاشاه پهلوی در غرب ایران (ایلام و کرمانشاه) مطرح شد و به نوعی در این امر توانست به موفقیت‌های نسبی‌ای دست یابد و برنامه‌ی تخته‌قاپو کردن عشایر را در این دو منطقه به انجام رساند که این برنامه مقدمه‌ای شد که در عهد محمدرضا پهلوی البته در زیر لوای طرحی که از طرف آمریکا برنامه ریزی شده بود با عنوان «اصلاحات ارضی» در ایلام و کرمانشاه به اجرا درآمد و نقش مهمی در تغییر سبک زندگی مردم عشایر غرب داشت.

چگونگی اجرای قانون اصلاحات ارضی

- چگونگی اجرای قانون اصلاحات ارضی در مرحله اول

پس از تصویب و توشیح لایحه اصلاحات ارضی در ۲۰ دی ۱۳۴۰، روز دوشنبه ۲۱ اسفند همان سال اولین سند مالکیت به کشاورزان منطقه پیشاهنگی مراغه توسط محمدرضا شاه اعطا شد. به دنبال آن در سال ۱۳۴۱، مراسم اعطای اسناد مالکیت کشاورزان منطقه

۴) کارگران کشاورز مقیم منطقه تقسیم و افرادی که داوطلب کار کشاورزی بودند.

به موجب ماده هفدهم قانون اراضی، ده مورد تقسیم بر حسب نسق زراعی موجود سهم‌بندی و مشاعاً به زارعان واگذار می‌شد. تغییر نسق زراعی در دهات ممنوع گردید تا تقسیم اراضی به روال منطقی و بانظم و بدون کارشکنی انجام شود (احمدی، ۱۳۵۰، ۲۴۲).

بر اساس ماده ۱۰ قانون در هر منطقه‌ای که شامل تقسیم املاک می‌شد، وزارت کشاورزی که بعد از مدتی به وزارت اصلاحات ارضی تغییر نام داد، موظف بود تا ضریب معاملات املاک را با توجه تاریخ ممیزی، نوع زراعت، طرز تقسیم محصول، حقوق مالکان‌های برای هر منطقه معین کند و غرامت مالکان را در مدت ۱۵ سال بر اساس مالیاتی که پرداخته‌اند بپردازد (سوداگر، ۱۳۵۸، ۴۵).

۲- چگونگی اجرای قانون اصلاحات ارضی در مرحله دوم

در مرحله دوم فقط حدود ۵۷۱۶۴ نفر از دهقانان توانستند اراضی را که روی آن کار می‌کردند از مالکانشان بخرند و هم زمان تعداد ۱۵۶۲۷۹ خانوار دیگر با تقسیم اراضی، صاحب زمین شدند. در مجموع ۲۱۰ هزار نفر دهقان صاحب زمین شدند که نه تنها تعداد آنان کم بود بلکه تولیدات کشاورزی نیز به به هیچ وجه افزایش نیافت. جدا از این، مأموران اجرا و کنترل مرحله دوم اصلاحات ارضی افرادی نالایق و سودجو بودند.

تمام این عوامل دست به دست هم داد و به ناامیدی بیشتر دهقانان افزود و بعث درگیری‌های نهان و آشکاری بین آنان و مالکان شد. در مجموع هر چند تعداد افرادی که مشمول قانون مرحله دوم شدند بیشتر از مرحله اول بود، ولی تعداد دهقانانی که صاحب زمین شدند بسیار کمتر از مرحله اول بود (ازغندی، ۱۳۸۵، ۱۸۸).

منوچهر فرهنگ می‌نویسد: در مرحله دوم تعدادی زارع صاحب نسق زراعی به ملک و آب رسیدند، ولی بیش از دو برابر این تعداد همچنان به صورت زارع مستأجر سی ساله یا عضو واحد سهامی زراعی یا مستأجر ۹۹ ساله باقی ماندند. اینان گرچه نسق‌های زراعی خود را در دست داشتند، مالک نسق‌های زراعی خود نشدند؛ به دیگر سخن اجرای قوانین و مقررات اصلاحات ارضی باز هم نتوانست تجانس و هماهنگی در دنیای روستایی پدید آورد. ناگزیر ابتکار دیگری باید صورت گیرد تا وضع بهتری به دست آید (فرهنگ، ۱۳۵۴، ۶۲).

قزوین در ۳ خرداد، منطقه کوچصفهان در ۶ خرداد و منطقه اراک در ۲۵ شهریور برگزار شد و به همین ترتیب تا پایان مرحله اول گروهی از کشاورزان شهرهای اردبیل، لشت نشاء، سنندج، کرمانشاه، اسفراین، نیشابور و مشهد موفق به دریافت اسناد مالکیت زمین شدند. در این مدت شاه اسناد مالکیت گروهی از کشاورزان املاک خالصه را در زیر که در نوار مرکزی ایران، ترکیه و عراق قرار دارد و چمن باغچه جوق در مرز ترکیه را توزیع کرد. ضمناً در فروردین ۱۳۴۲ محمدرضا شاه طی مراسمی در کاخ مرمر سندهای مالکیت ۲۶۰۰ کشاورز دهات و قریه‌های کنار دریای خزر را که از رضاشاه به وی انتقال یافته بود، به آنان واگذار کرد. در هر حال اجرای مرحله اول اصلاحات ارضی در استان‌های مختلف به علل گوناگون همگون نبوده است؛ مثلاً در سیستان و بلوچستان هیچ گونه اصلاحاتی انجام نگرفت. در استان‌های تهران اصلاحات بکندی صورت می‌گرفت، در حال که در خراسان شتاب زیادی داشت (ازغندی، ۱۳۸۵، ۱۸۲).

به موجب ماده ۴ قانون اصلاحات ارضی مرحله اول، میزان مالکیت برای هر فرد در تمام ایران به یک ده شش دانگ یا شش دانگ در دهات مختلف محدود می‌شد. مالک موظف بود تا مازاد یک ده شش دانگی را که آزادانه انتخاب می‌کرد، به دولت بفروشد. مالکان می‌توانستند همچنین باغات میوه و چای و قلمستان‌هایی که عرصه و اعیانی آن‌ها به خودشان تعلق داشت با حقا به معمولی و کلیه اراضی مکانیزه را در اختیار خود نگاه دارند. موقوفات خاص و پاره‌ای از دهات که در تاریخ ۱۴ آذر ۱۳۳۷ در اجاره رسمی بودند مشمول محدودیت قانون اصلاحات ارضی نمی‌شدند (پهلوی، ۱۳۴۶، ۴۴). زمین‌های مشمول اصلاحات ارضی به ترتیب اولویت به افراد ذیل واگذار می‌شد.

۱) زارعین هر دهی که قبل از ۱۹ دی ۱۳۴۰ در املاک خریداری شده، صاحب نسق زراعی و در ده محل ملک مقیم بوده و به کشاورزی اشتغال داشته‌اند. البته در توزیع زمین بیشتر حق تقدم با کسانی بود که عضو شرکت‌های تعاونی روستایی بوده و چیزی بیشتر از نیروی کار عرضه کرده بودند؛ مثلاً گاوداران حق تقدم داشتند، سپس دهقانان صاحب نسق زراعی و سرانجام در ردیف آخر کارگر کشاورز قرار داشت.

۲) وارثان زارعینی که حداکثر یک سال قبل از تقسیم در آن منطقه فوت کرده بودند.

۳) برزگرانی که در آن منطقه به زراعت مشغول بودند.

به گفته ارسنجانی «اصلاحات ارضی پس از مشروطه مهم‌ترین رویداد اجتماعی و پس از ملی شدن صنعت نفت بزرگ‌ترین واقعه اقتصادی ایران است». نخستین هدف آن، از میان برداشتن روابط ارباب رعیتی در ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی روستاها بود. ارسنجانی این سیستم را عامل اصلی عقب ماندگی ایران می‌دانست و برداشتن آن را اولین گام در پیشرفت کشور معرفی کرد. با اجرای این برنامه، روستاییان از انقیاد مالکان رهایی می‌یافتند و به حقوق سیاسی و اجتماعی خود دست پیدا می‌کردند. شاه هنگام اعطای اسناد مالکیت ارضی به کشاورزان مراغه در اسفند ۱۳۴۰ برقراری عدالت و برابری اجتماعی را مهم‌ترین هدف برنامه اصلاحات ارضی اعلام نمود، بدین معنا که روستاییان برای دست یافتن به زندگی آزادانه می‌بایست آزادی عمل داشته باشند و برای این منظور باید مالکیت زمینی را که بر روی آن کشاورزی می‌کردند به دست می‌آوردند. ایجاد عدالت اجتماعی از طریق توزیع عادلانه ثروت و درآمد، تأمین مسکن و بهداشت و آموزش منجر به بهبود شرایط زندگی روستاییان و سطح استانداردهای زندگی آن‌ها می‌شد. زارعان صاحب نسق با دستیابی به مالکیت زمین به یک طبقه مالک-زارع تبدیل می‌شدند که به واسطه آن زمینه بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی روستاها فراهم می‌شد (هوگلاند، ۲۰۰۵، ۱۰۳). امینی در خاطرات خود ایجاد خرده مالکان را که دارای استقلال اقتصادی باشند از اهداف مهم خود از اجرای این برنامه اعلام نمود. با ایجاد طبقه مالک-زارع و دستیابی آن‌ها به استقلال اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، ایستایی و سکون حاکم بر جامعه روستایی از میان می‌رفت. زیرا، که اختلافات طبقاتی در روستاها کاهش می‌یافت و ایجاد ساخت طبقاتی سرمایه‌داری به جای ساختار پیشاسرمایه‌داری در روستاها امکان‌پذیر می‌گشت. با شکل‌گیری جامعه مدرن، طبقه متوسط شکل خاص خود را یافته و با رشد این طبقه از اختلافات و تناقضات اجتماعی کاسته می‌شد و تعادل اجتماعی برقرار می‌گردید (نجم‌آبادی، ۱۹۸۷، ۵). به طور کلی از میان برداشتن نظام ارباب‌رعیتی ایران را از یک جامعه سنتی به یک جامعه مدرن انتقال می‌داد. با فراهم نمودن زمینه انتقال جامعه پیشاسرمایه‌داری به یک جامعه بورژوازی، انتقادات روشنفکران، طبقه متوسط و کارگران شهری خنثی می‌شد. کندی به شاه توصیه کرد که از میان طبقات جدید جامعه، افرادی را به عنوان طراحان اصلاحات ارضی انتخاب کند تا بدین وسیله حکومت

۳- چگونگی اجرای قانون اصلاحات ارضی در مرحله سوم

هدف از اجرای مرحله سوم، فروش زمین‌های اجاره‌ای و واحدهای سهامی زراعی به دهقانان بود. طبق قوانین الحاقی سال‌های ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ کوشش شد نقص‌ها و ضعف‌های دو مرحله قبلی رفع شده و مناسبات ارباب رعیتی به کلی از میان برده شود، بدین دلیل دو راه حل به مالکان پیشنهاد شد:

- (۱) یا زمین زراعی بین مالک و اجاره داران به نسبت بهره مالکانه متداول تقسیم شود.
 - (۲) یا زمین زراعی به زارعان بر اساس نرخ‌های که دولت تعیین می‌کرد فروخته شود. در حالی که در مرحله سوم تلاش می‌شد اجاره نشین‌های مرحله دوم مالک شوند، اما با ایجاد مؤسسات ویژه‌ای، از جمله شرکت‌های تعاون کشاورزی و نیز با برخورداری از کمک‌های مشاوره‌ای و اجرایی کنسرسیوم‌های خصوصی آمریکایی و اسرائیلی، دولت جانشین زمین داران در روستاها شد (دفتر تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزش وزارت آموزش پرورش ۱۳۶۲، ۱۷۱).
- در هر حال طبق قانون ۲۴ آذر ۱۳۴۷ تقسیم و فروش املاک استیجاری به زارعان خود در یک واحد سهامی زراعی گرد آمده بودند، موظف شدند به مدت دو ماه از تاریخ انتشار دو مین آگهی، آمادگی خود را برای انتقال ملک مورد اجاره معادل ده برابر مال الاجاره تعیین و به وسیله زارعان پرداخت می‌شد. در عین حال زارعان پرداخت می‌شد. در عین حال زارعان خریدار زمین می‌توانستند قیمت ملک را در دوازده سال و به اقساط متساوی بپردازند، در این حالت قیمت ملک معادل دوازده برابر اجاره بهای سالانه تعیین می‌شد. به هر حال، در مرحله سوم اصلاحات ارضی از مجموع ۱ میلیون و ۳۰۰ هزار خانوار واجد شرایط خرید زمین، فقط ۱۳۸۱۱۹ خانوار صاحب زمین شدند و اگر ۹۶۳۴۰۳ خانواری که در مرحله اول و دوم صاحب زمین گردیدند را به آن بی‌افزاییم، در مجموع ۱۷۰۱۵۲۲ خانوار از قانون از اصلاحات ارضی بهره مند شدند. در حالی که طبق برآورد دولت، تعداد کل خانوارهای روستایی قبل از اصلاحات ارضی ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار خانوار تخمین زده می‌شد (اشرف، ۱۳۵۹، ۳۸).

اهداف و چشم اندازهای اقتصادی اجرای اصلاحات ارضی

موجود را از میان می برداشت و زمینه را برای افزایش تولید فراهم می کرد. ارسنجانی می گوید: «ما وقتی می گوئیم برنامه اصلاحات ارضی را باید اجرا کنیم غرضمان بالا بردن میزان تولید در سطح کشت است». همچنین با افزایش تولیدات کشاورزی میزان صادرات آن هم افزایش یافته و در رشد و پیشرفت اقتصادی نقش بارزی ایفا می کرد. شاه هدف نهایی از این برنامه را افزایش درآمد سرانه ملی از طریق افزایش سطح درآمد روستاییان اعلام نمود. افزایش بهره‌وری کشاورزی موجب بالا رفتن در آمد روستاییان و در نتیجه افزایش قدرت خرید آن‌ها می شد. این فرآیند موجب انباشت سرمایه، تجاری شدن تولید و مصرف، افزایش تولید صنایع داخلی و در نتیجه رشد و ترقی بخش صنعت و اقتصاد ملی می گشت. ارسنجانی نیز بر این مسأله تأکید می کند و می گوید: «افزایش درآمد کشاورزان قدرت خرید آن‌ها را بالا می برد و در نتیجه موجب افزایش تولید صنایع داخلی و ترقی اقتصاد کشور می شود» (ارسنجانی، ۱۳۷۹، ۱۱۲).

نیاز روزافزون کشاورزان به ماشین آلات مکانیزه کشاورزی و کود شیمیایی لزوم تأسیس کارخانجاتی را جهت تولید این کالاها مطرح می ساخت. با تأسیس کارخانجات صنعتی موقعیت‌های شغلی نیز برای کارگران فراهم می گشت. با ترقی صنعت، میزان دستمزد کارگران بالا می رفت و بر قدرت خرید آن‌ها افزوده می شد، بدین ترتیب قشر پیشه‌وران نیز از رونق زندگی طبقات مذکور بهره‌مند می شدند. در مجموع اجرای اصلاحات ارضی نه تنها تأثیر چشمگیری بر وضعیت اقتصادی کشاورزان داشت بلکه، شرایط اقتصادی سایر طبقات اجتماع را نیز تحت تأثیر قرار می داد. شرکت مالکان در امر خرید سهام کارخانه‌ها نیز موجب ترقی صنایع و زمینه صنعتی شدن کشور را فراهم می کرد. تأمین مواد اولیه صنایع و کارخانجات وابسته به استفاده و بهره‌برداری حداکثری از حداقل زمین است. بهترین راه برای دست یافتن به این منظور اصلاح بذر و تشویق زارعان به امر زراعت و استفاده از دستگاه‌های مکانیزه کشاورزی است. با رشد صنعت داخلی دولت قادر به وضع مالیات بیشتر شده و مسأله کسری بودجه برطرف می گردید (نجم آبادی، ۱۹۸۷، ۵).

مازاد پولی که زارعان از تولید خود به دست می آوردند توسط شرکت‌های تعاونی جمع‌آوری و به بانک کشاورزی ارسال می گشت، بدین ترتیب سرعت گردش پول در کشور بیشتر می شد و بسیاری از مسائل مربوط به رسیدن مالیات

حمایت روشنفکران و طبقه متوسط شهری را که مخالف نظام ارباب رعیتی هستند، به دست آورد. با تقویت قشر متوسط ناراضی‌های اجتماعی کاهش می یافت و از وقوع جنبش‌های اجتماعی جلوگیری به عمل می آمد. همچنین برنامه‌های تبلیغاتی احزاب و گروه‌های سیاسی و اجتماعی همانند جبهه ملی بی‌اثر می شد. اجرای این برنامه از رشد و گسترش تمایلات کمونیستی ممانعت می کرد. امینی در مصاحبه با خبرنگاران در برلن بیان کرد که در صورت شکست اصلاحات ارضی کمونیست‌ها بر کشور تسلط خواهند یافت (امینی، ۱۳۴۰، ۱۵).

تصور برخی از مسئولان وقت آن بود که رشد اقتصادی هر جامعه‌ای وابسته به تحرکات اجتماعی و طبقاتی آن جامعه است. از میان برداشتن سدهای موجود میان طبقات اجتماعی زمینه را برای رشد اقتصادی فراهم می کند. به این تعبیر که پیشرفت اقتصادی همواره با تغییرات اساسی در روابط اجتماعی همراه است. در صورتی که افراد فرصت‌های مشابهی برای پیشرفت به دست آورند و به مسئولیت‌های مشابهی دست یابند و مداخله آن‌ها در سطح محلی و ملی افزایش پیدا کند، زمینه‌های لازم برای پیشرفت اقتصادی به وجود می آید. بر این اساس وارد نمودن روستاییان به جریان‌های اقتصادی جامعه از شروط مهم پیشرفت اقتصادی و صنعتی شدن یک جامعه محسوب می شد (همایون، ۱۳۴۲، ۳۹-۴۲).

از مهم‌ترین اهداف اجرای برنامه اصلاحات ارضی در ایران اهداف اقتصادی بیان می شد، زیرا که در این برهه زمانی مشکلات اقتصادی غامض‌ترین مسائل کشور محسوب می شدند. ارسنجانی یکی از اهداف مهم برنامه را افزایش سطح بهره‌وری کشاورزی اعلام کرد. به باور او، این هدف از طرق مختلفی قابل دستیابی بود: ترغیب کشاورزان برای کار بر روی زمین و اعطای استقلال اقتصادی به کشاورزان از طریق تقسیم زمین میان آن‌ها نخستین گام در رسیدن به این مقصود بود، زیرا که این اقدام موجب چند برابر شدن فعالیت کشاورزان می شد. در کنار واگذاری زمین، ارائه تسهیلات اعتباری و مالی و مجهز کردن زارعان به ماشین آلات مکانیزه کشاورزی از طریق شرکت‌های تعاونی روستایی، فراهم نمودن ابزار تولید و آموزش صحیح روستاییان در امر زراعت موجب افزایش تولید محصول می شد (ارسنجانی، ۱۳۷۹، ۱۰۶).

وزارت کشاورزی نیز از طریق تعیین سیاست‌های کشاورزی، کنترل قیمت محصولات کشاورزی و گسترش بازار این محصولات و مشخص نمودن حدود فعالیت واسطه‌ها از طریق شرکت‌های تعاونی مسائل و مشکلات

اصلاحات ارضی در ایلام و کرمانشاه

در دوره پهلوی دوم تحت تأثیر جریانات سیاسی جهانی یک ذهنیت منفی عمومی در جامعه علیه اربابان به عنوان عوامل تحجر و واپسگرایی شکل گرفت (عمید، ۱۰۵: ۱۳۸۱). در مناطق ایلام و کرمانشاه، ارباب که در گذشته‌ای نه چندان دور با عناوینی چون «عالیجاه»، «چاکر نواز» و «رعیت پرور» خطاب می‌شد؛ در استانه اصلاحات ارضی به «ارباب ظالم» و «فئودال» تبدیل شد (برگ، ۱۳۸۲: ۳۷).

در سال ۱۳۲۵ ش. شعبه‌ای از حزب توده در کرمانشاه با عنوان «اتحادیه کارگران و دهقانان غرب» تشکیل شد (برگ، ۱۳۸۲: ۲۹۰). که هدف آن تهیج و شوراندن کشاورزان علیه مالکان بود. در مناطق کرد، کلیایی و... کشاورزان نه تنها از پرداخت بهره مالکانه استنکاف نمودند؛ بلکه خانه‌های اربابان را نیز غارت کردند. با شروع اصلاحات ارضی، نظم روستاها به هم خورد و رعایا از پرداخت بهره مالکانه سر باز زدند (هوگلاند، ۱۳۸۱: ۱۱۳). خشم کشاورزان در مرحله دوم اصلاحات ارضی، متوجه اربابان بود؛ زیرا معتقد بودند نظام اجاره‌داری به ضرر آن‌هاست و اربابان با دست بردن در قانون، دولت را مجبور کرده‌اند تا نظام اجاره‌داری را بر آن‌ها تحمیل کند (هوگلاند، ۱۳۸۱: ۱۳۰). تعدادی از رعایای کشاورز از جمله در روستای ماژین از توابع دره شهر در منطقه ایلام با اخراج مالکان مدعی شدند که در سال‌های گذشته هیچگونه بهره مالکان‌های پرداخت نکرده‌اند و ملک در تصرف خود کشاورزان بوده است.

در سال ۱۳۲۵ ش. عمده مالکان کرمانشاه و خوانین کلیایی، «اتحادیه کرمانشاهان و ایلام و عشایر غرب» را در مقابل اتحادیه کارگران و دهقانان غرب تشکیل دادند (ساکما، ۱۳۸۳: ۶۸). که هدف آن مبارزه با حزب توده و مقاومت در برابر تحریکات دهقانان بود.

طبق بند ۶ ماده دوم قانون اصلاحات ارضی، تمام زمین‌هایی که از طریق کشت مکانیزه و به دور از مناسبات ارباب رعیتی، مورد بهره‌برداری واقع شده بود از تقسیم معاف شد (مجموعه اصلاحات ارضی، ۱۳۴۴: ۱۷). بسیاری از مالکان با رشوه دادن به مأموران دولت، املاک خود را در ردیف زمین‌های مکانیزه ثبت نمودند و احتمالاً با خریداری یک دستگاه تراکتور اعلام کردند که روستاهای آنان قبل از قانون اصلاحات ارضی، مکانیزه بوده و از تقسیم مستثنی است (لمبتون، ۱۳۶۲: ۱۰۱). مالکانی که با دولت در ارتباط بودند با آگاهی از برنامه‌های اصلاحات ارضی، قبل از اجرای برنامه

تولیدات کشاورزی به خزانه حکومت حل می‌شد و در نتیجه تأثیر مهمی بر رشد و ترقی اقتصاد کشور می‌داشت. گسترش مناسبات سرمایه‌داری در روستاها از دیگر اهداف برنامه بود که موجب ترقی بازار داخلی می‌شد. چنانکه با ایجاد شرکت‌های سهامی زراعی و واحدهای کشت و صنعت این سیاست عملیاتی می‌گشت، دولت می‌توانست از طریق حمایت از سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در بخش کشاورزی در صدد سرمایه‌داری کردن این حوزه برآید. چنان‌که، با اجرایی شدن این پروژه‌ها زمینه برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشاورزی فراهم شد. گسترش روابط سرمایه‌داری تولید در روستاها مستلزم مکانیزه کردن کشاورزی بود و ارسنجانی آن را یکی از مهم‌ترین اهداف اصلاحات ارضی اعلام کرد (ارسنجانی، ۱۳۷۹، ۸۸). با مکانیزاسیون کشاورزی نه تنها بهره‌وری کشاورزی افزایش می‌یافت بلکه باعث ایجاد شغل‌های دیگری در شهرها و روستاها می‌شد و کارگرانی که مشمول قانون اصلاحات ارضی نشده بودند از این طریق مشغول به فعالیت می‌شدند. با ورود مناسبات سرمایه‌داری به حوزه کشاورزی و مکانیزه شدن آن، صنعتی شدن کشاورزی نیز قابل حصول می‌گردیده و اقتصاد کشاورزی می‌توانست به یکی از پایه‌های محکم اقتصاد کشور تبدیل شود (ارسنجانی، ۱۳۷۹، ۱۰۵).

تصور بر آن بود که اصلاحات ارضی می‌تواند به طرق مختلفی در رشد و پیشرفت اقتصادی سهمیم باشد: ۱. با واگذاری اراضی به کشاورزان دارای نسق و احساس تملک آن‌ها نسبت به آن انگیزه زارعان افزایش می‌یافت و موجب افزایش سطح بهره‌وری کشاورزی می‌شد که پاسخگوی تقاضای فزاینده شهرنشینان و کارگران صنعتی شهری برای غذا و مواد خام بود، ۲. با پرداخت اقساط زمین توسط کشاورزان، آن‌ها می‌بایست که مقداری از تولیدات شان را به فروش برسانند، بنابراین با اجرای اصلاحات ارضی روستاییان با اقتصاد پولی ارتباط برقرار می‌کردند، ۳. دولت با جمع‌آوری مالیات از کشاورزان و هزینه آن در بخش‌های دیگر صنعتی سرمایه‌گذاری در این حوزه را گسترش می‌داد، ۴. با آزاد شدن بخشی از نیروی کار از بخش کشاورزی (یعنی دهقانانی که موفق به دریافت زمین نشده بودند) کارگران ذخیره‌ای برای صنعتی شدن کشور فراهم می‌شد (نجم آبادی، ۱۹۸۷، ۲۵-۲۶)، ۵. روستاها در بازار ملی و بین‌المللی ادغام می‌شد و ۶. ساختارهای حاکم بر جامعه روستایی با جامعه شهری هماهنگ و پیشرفت کشاورزی با حوزه‌های دیگر اقتصادی همگام می‌شد (قهرمان، ۱۳۶۱، ۱۳۵).

کشاورزان صاحب نسق را از زمینهای ده، اخراج و زمین‌ها را به کشت مکانیزه تبدیل کردند.

قانون اصلاحات ارضی در تاریخ ۱۳۳۹/۲/۲۶ ش. به تصویب رسید (مجموعه اصلاحات ارضی، ۱۳۴۴: ۱۲۹). بر اساس قانون اولیه، حداکثر حدود مالکیت برای هر شخص در تمام کشور در مجموع ۴۰۰ هکتار زمین آبی یا ۸۰۰ هکتار زمین دیم، اعم از آیش و زیرکشت، تعیین شد و در قانون اصلاحی، حدود مالکیت به یک ده ششدانگ تغییر یافت (مجموعه اصلاحات ارضی، ۱۳۴۴: ۸). در ابتدا سهم هر خانوار یک ده ششدانگ تعیین شد؛ اما بر اساس تبصره شورای اصلاحات ارضی در تاریخ ۱۳۴۲/۶/۳ هر کدام از فرزندان یک خانوار می‌توانستند در حد یک ده ششدانگ مالکیت داشته باشند. یکی از موارد بی‌عدالتی در تقسیم زمین، مالکیت با معیار «دانگ» بود که به عنوان واحد اصلی مورد استفاده در تعیین مالکیت، بر هیچ مساحت معینی دلالت نمی‌کرد (هالیدی، ۱۳۵۸: ۹۸). شعار مرحله اول اصلاحات ارضی، «فقط یک ده برای یک مالک» بود (میر حیدر، ۲۵۳۵: ۲۷)؛ ولی مشخص نبود منظور از «یک ده» چند هکتار زمین است. همین‌گونه، بر اساس حق نسق، سهم رعیت نیز مشخص نبود؛ بنابراین، هر کشاورز نیز تا یک ده ششدانگ، می‌توانست مالک شود. نابرابری در تقسیم زمین به حدی بود که در یک ده، به یک کشاورز ۱۰۰ هکتار و به کشاورزی دیگر تنها ۲ هکتار زمین واگذار شد (مؤمنی، ۱۳۵۹: ۲۵۱). عمده مالکان کرمانشاه (۴۷ نفر) مشمول مرحله اول اصلاحات ارضی بودند که از یک تا بیش از صد دهکده را به صورت ششدانگ در تملک داشتند (ساکمان، ۱۳۸۳: ۲۹۳).

در مرحله دوم اصلاحات ارضی، دولت دیگر خریدار مستقیم زمین از مالکان نبود و با افزودن موادی به قانون اصلاحات ارضی، پنج راه پیش پای مالکان نهاد: اول، عقد قرارداد رسمی اجاره بین مالک و کشاورز؛ دوم، فروش املاک توسط خود مالک به کشاورزان؛ سوم، تقسیم زمین بین مالک و کشاورز به نسبت بهره مالکانه؛ چهارم، تشکیل واحد سهامی زراعی بین مالک و کشاورزان و پنجم، خرید حق ریشه کشاورزان از سوی مالکان (هوگلاند، ۱۳۸۱: ۱۱۲). اکثریت مالکان در مرحله دوم اصلاحات ارضی، گزینه اجاره را انتخاب کردند (هوگلاند، ۱۳۸۱: ۱۳۰). در این مرحله، نظام مزارعه حذف شد و بهای نقدی جای آن را گرفت (سوداگر، ۱۳۷۸: ۴۹). در مورد املاک موقوفه نیز به دو صورت عمل شد: اول، املاک موقوفه عام به اجاره ۹۹ ساله به صورت نقدی به کشاورزان همان موقوفه واگذار شد؛

دوم، املاک موقوفه خاص از طرف دولت خریداری و بین کشاورزان تقسیم شد (مجموعه اصلاحات ارضی، ۱۳۴۴: ۶۹). در مرحله دوم، بر حق نسق کشاورزان بیش از پیش تأکید گردید و به کشاورزان صاحب نسق اطمینان داده شد که کار کشاورزی خوش نشین‌ها یا کارگران کشاورزی، به لحاظ نسق، حقی برای آن‌ها ایجاد نخواهد کرد (مجموعه اصلاحات ارضی، ۱۳۴۴: ۱۲۷).

قانون تقسیم و فروش املاک مورد اجاره به زارعان مستأجر، مرحله سوم اصلاحات ارضی، در تاریخ ۱۳۴۷/۱۰/۲۳ ش. به تصویب رسید؛ در واقع، مرحله سوم اصلاحات ارضی بر مبنای این تفکر شکل گرفت که بهره‌وری در تولید پایین است و تنها راه رشد اقتصاد کشاورزی، مکانیزه کردن کشت می‌باشد. چون در مرحله دوم، گزینه اجاره توافق شده بود و مالکان همچنان غایب بودند، دولت تصمیم گرفت مالکان غایب را وادار کند تا زمین‌ها را به کشاورزان واگذار کنند تا با هزینه شخصی آن‌ها را مکانیزه کنند (هوگلاند، ۱۳۸۱: ۱۳۳). تمام مالکینی که املاک خود را به اجاره واگذار کرده یا مالکینی که در املاک خود شرکت سهامی زراعی تشکیل داده بودند؛ همچنین مالکین مشمول مرحله دوم اصلاحات ارضی که تا مرحله سوم از واگذاری یا اجاره زمین خودداری کرده بودند، مشمول مرحله سوم اصلاحات ارضی شدند (ساکمان، ۱۳۸۳: ۹۱). که در این مرحله مالکان دو گزینه انتخاب داشتند: ۱. فروش ملک به کشاورزان؛ ۲. تقسیم ملک به نسبت بهره مالکانه با رضایت کشاورزان خورده مالکان طی دادخواست‌های متعددی به مجلس شورای ملی، مراتب ناخرسندی خویش را از مرحله سوم اصلاحات ارضی اعلام کردند. در این مرحله، کشاورزان مستأجر حق داشتند زمین را به اقساط ۱۲ ماهه از مالکان خریداری کنند و در صورت توافق و رضایت کشاورز، زمین بین وی و مالک تقسیم می‌شد. بدیهی بود که کشاورزان حاضر به تقسیم نبودند و اکثریت کشاورزان مستأجر در این مرحله زمین‌های مورد اجاره را به رغم نارضایتی مالکان خریداری کردند (کمام، ۱۳۸۴: ۴۳). هوگلاند می‌گوید: «در مرحله سوم حدود ۸۰۰۰۰۰ مستأجر توانستند مالک زمین شوند». هوگلاند، ۱۳۸۱: ۱۳۹) پس از پایان اصلاحات ارضی همچنان حدود ۲۰۰۰ نفر، مالک ۶/۵ میلیون هکتار زمین بودند و بین ۲۰ تا ۵۰ هکتار ملک در اختیار داشتند (هوگلاند، ۱۳۸۱: ۱۵۰). از مجموع ۲۷۲۶ ده و مزرعه در کرمانشاه، ۲۶۶۴ ده و مزرعه مشمول دریافت زمین بین کشاورزان، «نسق زراعی» بود (هوگلاند،

۱۳۸۱: ۱۰۸). نسق، شناسنامه یک کشاورز بود و کسانی که حق نسق نداشتند، کشاورز محسوب نمی‌شدند. بدیهی است عدم اشتغال به کشاورزی به منزله بیرون بودن از نظام نسق‌بندی است. نظام نسق‌بندی در روستاهای ایران، مردسالار بود و زنان حق نسق نداشتند. در مرحله سوم اصلاحات ارضی از حدود ۵۰۰۰۰۰ مالک زن، سلب مالکیت شد (کریمی و رحمانیان، ۱۳۹۶: ۱۵). پس از اصلاحات ارضی، نظام مالکیت ارباب حقوقی در قالب تعاونی‌های تولید، شرکت‌های سهامی زراعی و شرکت‌های کشت و صنعت جایگزین نظام مالکیت ارباب حقیقی شد. طبق تبصره یک ماده نوزدهم قانون اصلاحات ارضی، شرکت‌های تعاونی روستایی مختار بودند بنا بر تشخیص و مصلحت شرکت، زمین واگذاری شده را از کشاورزان پس بگیرند (مجموعه اصلاحات ارضی، ۱۳۴۴: ۴۴). در نظام مالکیت حقوقی، ارتباط کشاورزان با زمین و مالکیت آن‌ها محفوظ بود؛ اما نقش مدیریتی آنان بسیار کم‌رنگ و تنها در سطوح میانی و پایین بود. در نظام حقوقی بهره‌برداری از زمین، کشاورزان بازیچه دست هیئت مدیره شرکت‌ها شدند و بهره‌وری به شدت کاهش یافت. در استان ایلام، یک شرکت سهامی زراعی در ۲۳ روستا تشکیل شد که در مجموع ۵۸۰۱ هکتار زمین در تملک آن قرار گرفت. الگوی این شرکت‌ها، ترکیبی از تعاونی کشورهای سوسیالیستی و بعضی از کشورهای سرمایه‌داری بود. پس از انقلاب اسلامی نیز این شرکت‌های ناکارآمد منحل شدند (زنده دل، ۱۳۶۰: ۴۵). پس از اصلاحات ارضی، شرکت‌های «چشمه ماهی»، «خورده چشم»، «سرخه لیجه»، «گوران»، «پشت تنگ»، «شهبازوند» و «باغ یاسم» در منطقه هلیلان تأسیس شد. کشاورزان این منطقه حدود ۱۰۰۵۰۰۰ ریال در شرکت‌های مذکور سرمایه‌گذاری کردند (ساکمان، ۶۲۲/۲۳۰).

تا پیش از اجرای قانون اصلاحات ارضی در استان ایلام، تنها ۲ تا ۳ درصد مردم صاحب سند بودند؛ اما با تصویب این قانون و اعمال فشارهای دولت، بیش از ۷۵ درصد از مالکان و زارعان و خرده‌مالکان صاحب سند اصلاحات ارضی شدند. اجرای اصلاحات ارضی در استان ایلام، به علت نبود ابزار دقیق اندازه‌گیری، در ابتدا مشکلاتی برای کشاورزان ایجاد کرد؛ چون در سند اصلاحات، تقسیم‌بندی بر اساس من و سهم بود و این مقادیر در مکان‌های مختلف استان متفاوت بود و میزانی که در سند اصلاحات ارضی ذکر شده بود، با زمین کشاورزی مطابقت نداشت (رئیسی، مصاحبه: ۱۳۹۹). با

به وجود آمدن دستگاه‌های اندازه‌گیری دقیق‌تر و بر اساس ماده ۵۴ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقاء نظام مالی کشور، سند اصلاحات ارضی با واقعیت زمین بررسی و تطابق داده شد. این قانون در حال حاضر به صورت پلاک‌به‌پلاک شناسایی می‌شود و در حال اجراست (درویشی زنگنه، مصاحبه: ۱۳۹۹).

در بخش مرکزی شهرستان ایلام ۳۲ پلاک مشمول مقررات اصلاحات ارضی شد. ۳۱ پلاک آن در اجرای مرحله سوم قانون اصلاحات ارضی به زارعان واگذار شد. یک پلاک را هم که در مالکیت بانک کشاورزی بود، دولت وقت، سازمان تعاون و امور روستاها، خریداری کرد و پلاک مذکور، پلاک یک اصلی، در اجرای مرحله نخست قانون به زارعان واگذار شد (رستمی، ۱۳۹۷: ۴-۵).

سایر پلاک‌های بخش مرکزی شهرستان ایلام، به صورت خرده‌مالک خودکار در تصرف کشاورزان قرار گرفت. خرده‌مالکان صاحب سند یا نسق نبودند و آمار کشاورزی داشتند. پلاک‌های فرعی نیز صاحب سند نبودند (ثناخوان، ۱۳۹۷: ۱۴۹). زمین‌های واقع در بخش مرکزی شهرستان ایلام به ۸۳۴ نفر از بهره‌برداران صاحب نسق به صورت مشاع واگذار شد. این افراد در روستاهای مهدی‌آباد، چالسرا، بانقلان، شادآباد و نوروزآباد ساکن بودند؛ البته بیشتر اراضی کشاورزی بخش‌های شادآباد و نوروزآباد که امروزه در محدوده شهری قرار گرفته‌اند، به علت داشتن سابقه‌ی کشاورزی، با اسناد غیررسمی (قولنامه) در اختیار اشخاص قرار گرفتند؛ بنابراین مشمول اصلاحات ارضی نشدند (کریمی، ۱۳۹۷: ۱۸۲). این اطلاعات در بردارنده‌ی نکته‌ای اساسی است و آن اینکه در همه حال، با تکثیر مالکان خرد، زمین‌های بزرگ به قطعات کوچک تقسیم شد. کوچک‌شدن اراضی مفهوم مالکیت خرد را داشت؛ اما در سال‌های آینده و گاه بلافاصله، دچار سهم ارث می‌شدند و سهم مانده، کفاف معیشت را نمی‌داد و ناگزیر مرکز استان در حکم هدف معیشتی، جاذب بود.

اصلاحات ارضی و خرده بورژوازی روستایی در ایلام و کرمانشاه

روستاییانی که در کرمانشاه و ایلام پس از برنامه به مالکیت زمین دست پیدا نکردند به دو طبقه بورژوازی ده و کارگر تقسیم می‌شدند. طبقه کارگر با توجه به حوزه فعالیت آن‌ها به اقشار مختلفی همانند کارگر کشاورزی و کارگر بخش صنعت، معدن، ساختمان، خدمات و غیره تقسیم می‌شدند. پس از اصلاحات ارضی موقعیت دیگر

و سلف‌خرها تأمین می‌گشت که با توجه به وجود چند نهاد دولتی به منظور پرداخت وام به کشاورزان درصد نسبتاً بالایی محسوب می‌شود. طبق این مباحث، پس از اصلاحات ارضی اقدامات مؤسسات دولتی در تأمین اعتبارات مورد نیاز روستاییان ناچیز بود و بخش اندکی از جمعیت روستایی را شامل می‌شد. کشاورزان نیز که به منابع اعتباری نیاز مبرم داشتند، به منظور برآوردن احتیاجات خود به منابع دیگر پرداخت وام همانند سوداگران و مغازه‌داران روی آوردند. افزایش نیاز روستاییان به کمکهای مالی موجب افزایش فعالیت این گروه‌ها شد و به رشد این قشر اجتماعی منجر گشت (مرکز آمار ایران، ۱۳۵۴: ۳۷). با وجود این، پیش از اجرای برنامه، پرداخت وام به دهقان‌ها و خوش‌نشینان منحصر در اختیار آن‌ها قرار داشت، اما پس از برنامه و فعالیت نهادهای دولتی در پرداخت وام به روستاییان این انحصار از میان رفت.

علاوه بر پرداخت وام به روستاییان در کرمانشاه و ایلام، این گروه‌ها با تهیه دستگاه‌های مکانیزه کشاورزی به کشت و برداشت اراضی زارعان پرداخته و از این طریق به خرید زمین اقدام نمودند یا این که با نیمه کاری و اجاره‌داری مقدار زیادی از زمین‌ها را در اختیار گرفتند که این مسأله موجب تغییر پایگاه طبقاتی آن‌ها شد. یکی دیگر از اقدامات سوداگران روستایی پس از برنامه فراهم نمودن ابزارآلات مکانیزه زراعی و کشت اراضی دیم زارعان بود که در ازای این فعالیت ۵۰ درصد از محصول را دریافت می‌کردند. به طور خلاصه، شرایط و موقعیت به وجود آمده پس از اصلاحات ارضی باعث شد که این طبقه نقش بیشتری در روابط اقتصادی روستاها ایفا کند و نسبت به قبل از برنامه رشد چشمگیری یابد (ازکیا، ۱۳۸۸: ۱۳۰).

قشر صنعتگران روستایی پس از اصلاحات ارضی تضعیف شد علت این امر، ورود کالاهای شهری به درون روستاها بود. اگرچه نمی‌توان علت مستقیم تضعیف این اقشار را اصلاحات ارضی دانست، اما این برنامه با باز کردن راه‌های ارتباط شهرها به درون روستاها عامل غیر مستقیمی برای تضعیف این قشر محسوب می‌شد. بسیار از گروه‌هایی که در بخش صنایع روستایی فعالیت می‌کردند با ورود کالاهای شهری تضعیف شدند. در نتیجه تفاوت کیفیت کالاهای تولیدی روستایی نسبت به تولیدات صنایع شهری و پایین بودن قیمت کالاهای روستایی به تدریج این قشر نیز تضعیف شدند. لذا، بسیاری از افرادی که متعلق به این قشر بودند با از دست دادن کار خود به

اقشار اجتماعی همانند سوداگران، معامله‌گران و سلف‌خرها دچار تغییر شد. برخی، این گروه‌های روستایی را بورژواهای خوش‌نشین نامیده است. پس از تقسیم اراضی بین زارعان و گسترش ارتباط بین جامعه شهری و روستایی مغازه‌داران نیازهای مصرفی روستاییان را به روستاها می‌آوردند و به فروش می‌رساندند. آن‌ها در مقابل فروش کالاهای خود محصولات کشاورزی دهقان‌ها را پیش خرید می‌کردند و با نرخ چند برابر قیمت خرید به بازار مصرف شهری می‌فروختند (صادقی، ۱۳۹۵: ۵۹).

با پیدایش طبقه دهقانی در کرمانشاه و ایلام که به صورت مستقل به اداره امور اراضی خود می‌پرداختند، سوداگران نیز بر فعالیت خود افزوده و نیازهای آن‌ها را تأمین می‌کردند. یکی دیگر از نقش‌های این گروه پرداخت وام با بهره بالا بود، پس از برنامه میزان دریافت وام از این قشر توسط روستاییان رشد زیادی پیدا کرد که نشان دهنده افزایش فعالیت این قشر در روستاها بوده است (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۲: ۵۱). تعاونی‌های روستایی به طور کامل نتوانستند جایگزین نقش مالکان در زمینه تأمین نیازهای مالی زارعان شوند، لذا سوداگران و سلف‌خرها بخش زیادی از نیازهای روستاییان در زمینه پرداخت وام را به دست گرفتند. فقر روستاییان و احتیاج به وام‌های فوری و عدم خرید محصولات کشاورزی توسط شرکت‌ها از علل دیگر پیدایش این مسأله بود (دفتر مطالعات ناحیه‌ای، ۱۳۸۵: ۱۱۶).

دسترسی تعداد زیادی از کشاورزان به بازار شهری با مشکلات زیادی همراه بود و شرایط جغرافیایی منطقه این مسأله را تشدید می‌کرد. مغازه‌داران و پیله‌وران نیز از این موقعیت استفاده کرده و به تأمین نیازهای مصرفی روستاییان می‌پرداختند و در مقابل، محصولات زراعی کشاورزان را با نرخ پایین خریداری می‌کردند (دفتر مطالعات ناحیه‌ای، ۱۳۸۵: ۵۳). علاوه بر آن که شرکت‌های تعاونی روستایی در پرداخت وام به تمامی اعضای خود ناموفق بودند، بانک کشاورزی نیز قادر به پرداخت وام به تمامی روستاییان نبود. در سال ۱۳۵۳ فقط ۱۴/۵ درصد خانوارهای روستایی در کرمانشاه و ایلام از این بانک وام دریافت کردند. از زمان آغاز برنامه در منطقه به طور متوسط سالیانه تعداد ۱۱۰۸۹۵ نفر قادر به دریافت وام شدند که در مقایسه با جمعیت خانوارهای روستایی هر سال فقط ۱۰/۶ درصد از خانوارهای روستایی از بانک وام گرفته‌اند که رقم ناچیزی محسوب می‌شود. در سال ۱۳۴۷ تقریباً ۴۳ درصد اعتبارات مالی خانوارهای روستایی در کرمانشاه و ایلام توسط سوداگران

طوری که بین ۰/۵ تا ۲۷ هکتار متغیر بود (مرکز آمار ایران، ۱۳۵۳: ۲۱).

طی اجرای برنامه تعداد زیادی از مالکان بزرگ و کوچک در کرمانشاه و ایلام اراضی آبی و مرغوب را در دست خود حفظ نموده و اراضی دیم و نامرغوب را به زارعان واگذار نمودند. این مشکل در مناطقی که بخش اعظم اراضی آن دیمی بود گسترده‌تر بود، زیرا که تعداد زیادی از کشاورزان از دستیابی به اراضی آبی و حاصلخیز بازماندند. میزان بهره‌وری زمین‌های دیم نسبت به آبی بسیار پایین‌تر بود و کاهش میزان تولید موجب کاهش درآمد زارعان می‌گشت، لذا در نواحی‌ای که وسعت اراضی دیم بیشتر از نقاط دیگر بود سطح درآمد کشاورزان نیز پایین‌تر بود و این مسأله موجب شکاف بیشتر در سطح درآمدی آن‌ها شد. در اسلام آباد که قسمت اعظم آن، اراضی دیم بود کشاورزان از کیفیت زمین‌های واگذار شده ناراضی، و معتقد بودند که مالکان اراضی باکیفیت را در دستان خود حفظ نموده و اراضی نامرغوب را که دارای بهره‌وری بسیار پایینی بود در اختیار آن‌ها قرار داده‌اند. در نتیجه، کشاورزان برای تأمین معاش مجبور به فروش دام‌های خود شدند. با توجه به اینکه در این ناحیه مقدار مال الاجاره وضع شده بر زمین بیش از بهره‌وری آن بود کشاورزان با میزان درآمد حاصل از آن حتی قادر به پرداخت مال الاجاره نبودند. دهقان‌های مرفه که پیش از تقسیم زمین دارای شأن اجتماعی و نفوذ سیاسی بیشتری در جامعه روستایی بودند بیشترین مقدار زمین‌های حاصلخیز و آبی را به صورت نسق در اختیار داشتند. طبق قانون اصلاحات ارضی مالکیت اراضی نسقی به صاحبان آن‌ها انتقال می‌یافت. این قانون موجب شد که افرادی که به دلیل جایگاه اجتماعی خود به بهره‌برداری از زمین‌های مرغوب می‌پرداختند مالکیت آن را نیز به دست آوردند و موقعیت خود را حفظ نمودند. بنابراین یکی از دلایل مهم تداوم و شدت یافتن اختلاف بین اقشار جامعه روستایی ماهیت قوانین برنامه بود (مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۴۴: ۲۱).

چگونگی توزیع درآمد بین دهقان‌ها علاوه بر میزان مالکیت زمین و کیفیت آن، تحت تأثیر عوامل مختلف دیگری قرار داشت. قوانینی که به منظور قیمت‌گذاری اراضی مالکان در مراحل سه‌گانه برنامه وضع شد نیز نقش زیادی در پیدایش اختلاف در سطح درآمد دهقان‌ها داشت. در مرحله اول تعیین بهای زمین بر اساس میزان مالیات پرداختی مالکان به حکومت بود.

قشر کارگران روستایی پیوستند یا به شهرها مهاجرت کردند. طبق مباحث مذکور، میزان تحرک طبقاتی پس از برنامه اصلاحات ارضی افزایش پیدا کرد و اقشار مختلف اجتماعی در روستاها به سهولت از یک قشر به قشر دیگر انتقال پیدا می‌کردند (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۷۳-۲۷۲).

اصلاحات ارضی و شکاف طبقاتی میان خرده بوزواری روستایی و توسعه شهری و سایر طبقات در ایلام و کرمانشاه

یکی از مشخصه‌های برنامه اصلاحات ارضی در کرمانشاه و ایلام انطباق تقسیم زمین با طبقه‌بندی سنتی جامعه روستایی بود، به این معنا که زارعی که دارای حق نسق بودند واجد دریافت زمین شدند. سیستم سلسله مراتبی که موجب تمایز اقشار روستایی می‌گشت و مبتنی بر مالکیت زمین و ابزار تولید بود پایه واگذاری زمین به روستاییان قرار گرفت و این مسأله موجب حفظ سلسله مراتب موجود پس از اصلاحات ارضی شد. به تعبیر دیگر، این برنامه موجب تغییر در ساختار و ماهیت مالکیت زمین گشت، اما سلسله مراتب اجتماعی موجود را حفظ نمود (عراقی، ۱۹۸۶: ۱۰۴۸-۱۰۴۷). با اجرای برنامه تعداد زیادی از زارعان قادر به کسب حق تملک اراضی نسقی خود شدند و جمعیت دهقان‌ها رشد پیدا کرد. بین دهقان‌هایی که مالکیت زمین را به دست آورده بودند از نظر مقدار زمین واگذار شده اختلاف زیادی وجود داشت. از یک سو، با در نظر گرفتن میزان اختلاف در مالکیت اراضی واگذار شده به زارعان، و از سوی دیگر با احتساب روستاییانی که قادر به دست یافتن به مالکیت زمین نشدند و ۳۹/۷ درصد جامعه روستایی را تشکیل می‌دادند، می‌توان ادعا کرد که پس از اصلاحات ارضی اختلاف طبقاتی در جامعه روستایی بسیار شدیدتر از گذشته شد و این برنامه شکاف اجتماعی - اقتصادی موجود در روستاها را تشدید کرد.

متوسط مساحت اراضی دهقان‌ها در کرمانشاه و ایلام در سال ۱۳۵۳ از ۰/۵ تا ۲۷ هکتار متغیر بود که نشانگر وجود اختلاف در میزان اراضی تحت مالکیت آن‌ها است. با در نظر گرفتن متوسط مساحت بهره‌برداری‌ها در طبقات مختلف در سال‌های ۱۳۳۹ و ۱۳۵۳ و مقایسه آن‌ها طی این دو دوره می‌توان به وضوح شکاف عمیق به وجود آمده در جامعه روستایی را دریافت. فاصله متوسط مساحت بهره‌برداری‌ها پیش از برنامه از ۰/۳ تا ۱۶ هکتار بود، اما پس از آن این اختلاف بسیار شدیدتر شده است، به

داشتند از ۱۷۰۱۶۸ نفر به ۲۴۰۸۳۳ نفر افزایش پیدا کرد، به طوری که متوسط مساحت اراضی آن‌ها از ۱۶/۳۰۸۴ به ۲۷/۲۰۷۸ هکتار رسید. تعداد بهره‌بردارانی که بهره‌برداری آن‌ها بیش از ۵۰ هکتار بود ۵۳۱ نفر بود که به ۳۰۴۸ نفر افزایش یافت، با توجه به جمعیت بهره‌برداران و وسعت اراضی آن‌ها، پس از برنامه اختلاف و شکاف زیادی در جامعه روستایی از لحاظ میزان اراضی تحت تملک به وجود آمده و بر تعداد دهقان‌هایی که میزان اراضی آن‌ها کمتر از ۱۰ هکتار بود افزوده شده است، به نحوی که متوسط مساحت اراضی این دسته از طبقات بهره‌برداری تغییر چندانی با قبل از برنامه نداشته است. با در نظر گرفتن متوسط مساحت بهره‌برداری‌ها در طبقات مختلف در سال‌های ۱۳۳۹ و ۱۳۵۳ و مقایسه آن‌ها طی این دو دوره مختلف می‌توان به وضوح شکاف عمیق به وجود آمده در جامعه روستایی را در کرمانشاه و ایلام درک کرد. فاصله متوسط مساحت بهره‌برداری‌ها پیش از برنامه از ۰/۳۲۸۴ تا ۲۴۰/۶۲۱۸ هکتار بود، اما پس از آن این اختلاف بسیار شدیدتر شده است، به طوری که بین ۰/۵۲۷۵ تا ۳۲۹/۴۴۴۵ هکتار متغیر بود (مرکز آمار ایران، ۱۳۵۳: ۲۱). سیاست‌های دولت در زمینه اعطای وام‌های دولتی نیز در راستای عمیق‌تر شدن نابرابری توزیع درآمد قرار داشت. وام‌هایی که دهقان‌های مرفه دریافت می‌کردند بلندمدت و دارای مبالغ بالایی بود، پرداخت این وام‌ها با توجه توانایی دهقان‌ها در تسویه آن‌ها صورت می‌پذیرفت و به علت این که دهقان‌های متوسط و پایین قادر به بازپرداخت مبالغ بالا نبودند میزان وام‌هایی که اخذ می‌کردند اندک و کوتاه مدت بود.

پایین بودن مقدار وام موجب می‌شد که این دسته از زارعان در زمینه توسعه و مکانیزاسیون کشاورزی و در نتیجه افزایش تولید و انباشت سرمایه با مشکلات جدی مواجه شوند، زیرا وام‌های خود را صرف امور غیرکشاورزی می‌کردند و یا اگر آن را به مخارج کشاورزی اختصاص می‌دادند پیش از آن که بتوانند از آن بهره ببرند موعد بازپرداخت وام فرا می‌رسید. در مقابل، دهقان‌های مرفه با دریافت مبالغ بالا آن را در زمینه توسعه و مکانیزاسیون کشاورزی به کار می‌گرفتند (هوگلاند، ۱۳۸۱: ۲۰۱-۲۰۰). با توجه به گسترش ارتباط روستاها با مراکز شهری و توسعه نظام سرمایه‌داری، استفاده از ماشین آلات مکانیزه کشاورزی و حضور در اقتصاد بازار نقش مهمی در افزایش اختلاف در سطح درآمد دهقان‌ها داشت. به کارگیری روش‌های نوین کشاورزی موجب افزایش کارایی اراضی می‌گشت و فروش

مالکان کرمانشاه و ایلام که از قدرتمندترین مخالفان حکومت محسوب می‌شدند طی ادوار مختلف از پرداخت مالیات سرباز می‌زدند و مقدار مالیات‌های پرداختی بسیار کمتر از میزان درآمد حاصل از اراضی بود. بنابر این، طی اجرای برنامه در مرحله اول ارزش املاک مالکان منطقه بسیار پایین‌تر از ارزش واقعی آن در بازار بود. زارعان دریافت کننده زمین در این مرحله بهای اندکی برای زمین‌های خود پرداخت نمودند. پرداخت بهای زمین در ۱۵ قسط ۱۵ ساله نیز شرایط بهتری برای تسویه اقساط فراهم کرد. در مرحله دوم برنامه ارزش زمین بر اساس متوسط درآمد خالص حاصل از زمین طی سه سال پیش از اجرای این مرحله بود. بیشترین تعداد شق انتخابی مالکان شق اجاره بود و زارعان به مستأجران اراضی خود تبدیل شدند.

تعیین قیمت زمین بر اساس درآمد خالص سه سال موجب شد که بهای تعیین شده برای اراضی به ارزش واقعی آن نزدیک‌تر و به نفع مالکان باشد. در صورت فروش زمین به زارعان یا تقسیم آن قیمت ملک بر اساس بالاترین ضریب آن در محل تعیین می‌گشت و پرداخت بهای آن به صورت اقساط ده ساله بود. با توجه به نفوذی که مالکان در روستا داشتند ارزش‌گذاری زمین بر اساس بالاترین ضریب آن در محل باعث شد که بهای زمین نزدیک به قیمت واقعی یا بیشتر باشد و زارعان برای پرداخت اقساط با مشکل مواجه شوند. در مرحله سوم نیز ارزش زمین دوازده برابر اجاره پرداختی توسط زارع در مرحله دوم بود که به صورت اقساط ۱۲ ساله پرداخت می‌گردید. به طور کلی، تعیین قیمت املاک در مرحله دوم و سوم به قیمت واقعی زمین نزدیک‌تر بود و زارعان نیز باید بخش بیشتری از درآمد خود را به پرداخت اقساط اختصاص می‌دادند. بنابراین، دهقان‌هایی که در مرحله اول زمین دریافت کردند نسبت به دهقان‌های دیگر شرایط بهتری داشتند و بهای کمتری برای زمین پرداخت نمودند و این مسأله با توجه به فقر حاکم بر روستاها بر سطح معیشتی زارعان تأثیر گذاشت (عسگری و دیگران، ۱۹۷۷: ۲۶۷).

مهم‌ترین عوامل توزیع نابرابر درآمد در روستاها تمرکز زمین در دست تعداد اندکی از زارعان و تقسیم نامناسب اعتبار بین روستاییان بود. در سال ۱۳۳۹ تعداد دهقان‌هایی که در کرمانشاه و ایلام کمتر از ۱۰ هکتار زمین داشتند ۲۴۰۸۱۰ نفر بود، اما در سال ۱۳۵۳ این تعداد به ۴۴۰۲۲۳ نفر افزایش پیدا کرد، بنابراین تعداد این گروه از زارعان پس از اصلاحات ارضی تقریباً دو برابر شده است. تعداد کشاورزانی نیز که ۱۰ تا ۵۰ هکتار

محصولات به بازار شهری و آگاهی به میزان و نوع تقاضای شهرنشینان با افزایش درآمد دهقان‌ها همراه بود. دهقان‌های مرفه که از دستگاه‌های مکانیزه استفاده می‌کردند و به بازار مصرف شهری دسترسی داشتند از سود ناشی از موقعیت خود بهره می‌بردند. افزایش درآمد این گروه نسبت به دیگر اقشار دهقانی موجب تشدید شکاف طبقاتی شد و برخی از دهقان‌های غنی با انباشت سرمایه در دراز مدت به جرگه سرمایه‌داران دهقان پیوستند (عجمی، ۲۰۰۵: ۳۴۲).

رشد و توسعه نامتوازن شیوه و روابط تولیدی سرمایه‌داری در روستاها موجب پیدایش برخوردهایی بین گروه‌های کوچک سرمایه‌داران روستایی، دهقان‌ها و کارگران بی‌زمین شد. نظام‌های تولیدی سرمایه‌داری با اشکال مختلفی همانند کشاورزی سرمایه‌داری دهقانی، واحدهای زراعی سرمایه‌داری و شرکت‌های سهامی زراعی تأسیس شدند. در واحدهای تولیدی نخست از کارگرهای روستایی برای انجام امور زراعی استفاده می‌شد و حضور این کارگرها در کنار دهقان‌ها موجب ایجاد برخورد بین این دو طبقه روستایی گشت. اجرای اصلاحات ارضی توقعات کارگران کشاورزی درباره دریافت زمین را برآورده نکرد، بنابراین این قشر از جامعه روستایی نسبت به دریافت کنندگان زمین با خصومت و دشمنی می‌نگریستند. در واحدهای زراعی سرمایه‌داری نیز امور بهره‌برداری توسط کارگرهای ساده و ماهر انجام می‌شد و در یک سمت مدیران واحدهای زراعی و در طرف دیگر کارگران کشاورزی قرار داشتند که این مسأله موجب قطعی شدن ساختار طبقاتی شد. تغییر رویکرد سیاست‌گذاری‌های دولت در بخش کشاورزی و مداخله مستقیم در صنعتی کردن این حوزه منجر به تأسیس شرکت‌های سهامی زراعی شد (لهسایی زاده، ۱۳۸۲: ۲۱۵).

ایجاد این شرکت‌ها پیامدهای اجتماعی مهمی در سطح روستاها در کرمانشاه و ایلام داشت و موجب گسترش شکاف طبقاتی شد. دهقان‌ها، بزرگان، خرده مالکان و مالکان بزرگ واجد فروش زمین‌های خود به شرکت‌ها بودند. مساحت و کیفیت اراضی این گروه‌ها تفاوت زیادی از یکدیگر داشت، در نتیجه تعداد سهامی خریداری شده نیز متفاوت بود. در شرکت سهامی زراعی فرح در سال ۱۳۴۸ گروه کمتر از ۳۰ سهم ۵۰/۸ درصد بود که در سال ۱۳۴۹ پس از الحاق پنج روستای دیگر به ۴۹/۳ درصد کاهش یافت. در گروه بالاتر از ۶۰ سهم نیز تعداد سهامداران از ۱۱/۴ درصد به ۱۴/۴ درصد افزایش پیدا کرد. طبق این داده‌ها، اختلاف سهام اعضای

شرکت پس از الحاق پنج روستای دیگر بیشتر شد و این مسأله بر عمیق‌تر شدن شکاف اجتماعی روستاییان حوزه شرکت تأثیر زیادی گذاشت (لهسایی زاده، ۱۳۸۲: ۲۸۱-۲۸۰). از سوی دیگر، دهقان‌های غنی و مرفه روستا وابسته به تعداد سهام خود علاوه بر برخورداری از درآمد بالاتر نفوذ بیشتری نیز در شرکت پیدا کردند. وجود تفاوت در میزان سهام سهامداران موجب ایجاد نابرابری در توزیع درآمد شد و به گسترش نابرابری اجتماعی به نفع گروه‌های متمنفع روستایی منجر گشت (وزارت کشاورزی، ۱۳۸۰: ۵۷). مالکان، مباشرین سابق، کدخداها و کشاورزان قدرتمند روستاها در کرمانشاه و ایلام که دارای املاک بیشتری بودند پس از تشکیل شرکت با توجه به تعداد سهام خود و از طریق نفوذ و اعتباری که داشتند قادر به دست یافتن به سمت مهمی در شرکت همانند هیئت مدیره شدند و بدین طریق نفوذ خود را در روستا حفظ نمودند. در نتیجه تأسیس شرکت اختلافات اجتماعی- اقتصادی میان سهامداران عمیق‌تر شد و با توجه به اینکه روستاییان مرفه دارای سود ویژه بیشتری از شرکت بودند این شکاف عمیق‌تر گشت (ازکیا، ۱۳۸۷: ۲۴۳). چگونگی توزیع درآمد میان سهامداران علاوه بر تعداد سهام تحت تأثیر نیروی کار آن‌ها نیز قرار داشت، به این معنا که سهامداران جوان غیر از درآمد ناشی از سهام قادر به اشتغال در کارهای دیگر از جمله در شرکت و یا نواحی دیگر به صورت کارگر شدند. در مقابل، سهامداران مسن غیر از سهام خود منبع درآمد دیگر نداشتند و توانایی فعالیت در امور دیگر را دارا نبودند. یکی از پیامدهای تشکیل شرکت تبدیل دهقان‌ها به کارگران مزدبگیر و از دست رفتن شأن اجتماعی آن‌ها در روستاها بود. دارا بودن مالکیت زمین در نواحی روستایی به زارعان جایگاه و اعتبار ویژه‌ای می‌بخشید که تأسیس این شرکت منجر به از دست رفتن آن شد. زارعی که تعداد سهام آن‌ها اندک بود به منظور تأمین معاش خود به کارگری در شرکت یا مناطق دیگر روی آوردند، در مقابل سهامداران بزرگ که درآمد بالایی از سهام خود به دست می‌آوردند یا در شهرها ساکن شدند یا به شغل‌های سودآور دیگری مشغول گشتند. در نتیجه، تشکیل شرکت موجب تشدید دوقطبی شدن ساخت اجتماعی برخی از روستاهای کرمانشاه و ایلام شد (پورافضل و نجفی، ۱۳۸۰: ۲۴۶).

علاوه بر گسترش اختلاف طبقاتی بین سهامداران شرکت، میان سهامداران کوچک و روستاییانی که دارای سهم نبودند بر سر استخدام و کارگری درگیری به وجود آمد و اختلافات طبقاتی در روستاهای محدوده شرکت

تشدید گشت. مداخله دولت در تأسیس شرکت سهامی زراعی از یک سو موجب تبدیل دهقان‌های ثروتمند و متوسط به سهامداران غایب شد و از سوی دیگر به فقیرتر شدن زارعان تهیدست منجر گشت (ازکیا، ۱۳۸۷: ۲۴۸). به عبارت دیگر، ساخت اجتماعی - اقتصادی و سیاسی کهن روستاهای حوزه شرکت به شیوه‌ای دیگر تجدید شد. دهقان‌های غنی همانند گاویندان، میاشران، کدخدا و خرده مالکان که دارای سهام زیادی بودند در ساخت قدرت شرکت نقش مهمی ایفا می‌کردند، در حالی که دهقان‌ها فقیر هیچ جایگاهی در آن نداشتند.

نتیجه‌گیری

اجرای برنامه در منطقه با مخالفت عمده مالکان روبرو شد و مقاومت آن‌ها موجب کند شدن روند تقسیم اراضی گشت. این امر در نهایت به تضعیف مالکان و نفوذ دولت در روستاها منجر گشت. اگرچه دولت در نهایت موفق به تضعیف قدرت سیاسی مالکان و از بین بردن موانع اعمال قدرت مستقیم در روستاهای کرمانشاه و ایلام گشت، اما این دستاورد در کل منطقه به شکل یکسانی رخ نداد. مالکان بخش‌های جنوبی و شرقی در کرمانشاه بسیار زودتر از مالکان شمال و شمال غرب نفوذ دولت در منطقه را پذیرفتند، لذا با از دست دادن قدرت سیاسی به حفظ قدرت اقتصادی از طریق مستثنا کردن املاک خود اقدام کردند.

از سوی دیگر، با وجود اینکه بهره‌برداری دهقانی به شکل غالب نظام‌های تولیدی تبدیل شد، اما در کنار آن، سازمان‌های تولیدی دیگری به وجود آمدند که همانند پیش از برنامه مالکیت آن‌ها در اختیار مالکان و خوانین قرار داشت. واحدهای زراعی سرمایه‌داری بهره‌برداری‌هایی بودند که مالکان با مستثنا کردن آن‌ها از تقسیم به انجام امور کشاورزی به شیوه‌ای دیگر ادامه دادند. این واحدها قسمت زیادی از زمین‌های زراعی را در تصرف خود داشتند و یکی از انتقادات مهمی که بر اجرای اصلاحات ارضی وارد است وجود قوانینی در برنامه بود که موجب حفظ زمین‌های وسیع در تملک مالکان شد. وسعت اراضی مزروعی منطقه با در نظر گرفتن جمعیت آن از نسبت بالایی برخوردار بود و در صورتی که قوانین برنامه راه‌های گریزی برای عدم مشمولیت اراضی مالکان در اختیار آن‌ها قرار نمی‌داد نسبت توزیع زمین میان زارعان بسیار افزایش پیدا می‌کرد.

برنامه اصلاحات ارضی در واگذاری مالکیت زمین به زارعان و شکل‌گیری یک طبقه دهقانی موفق عمل کرد و

تغییرات چشمگیری در ماهیت و ساختار مالکیت زمین به وجود آورد. روش‌ها، مناسبات و روابط تولید کشاورزی نیز دچار تحولات زیادی شد. شیوه تولید سرمایه‌داری در بخش کشاورزی توسعه پیدا کرد، اما میزان به کارگیری این شیوه در بهره‌برداری‌های دهقانی بسیار محدود بود و شیوه تولید سنتی در آن‌ها شکل غالب تولید کشاورزی محسوب می‌شد. دولت در پر کردن خلأ نقش مالکان در عرصه اقتصادی روستاها شکست خورد و این مسأله منجر به کاهش بهره‌وری و عملکرد بخش کشاورزی شد. در واقع دولت زمین را به دهقان‌ها واگذار کرد، اما موفق به شکل‌گیری یک طبقه دهقانی قدرتمند که قادر به افزایش رشد تولیدات کشاورزی و تحول در این بخش شود، نگشت. در نتیجه، به سمت تشکیل سازمان‌های تولیدی نیمه دولتی و خصوصی روی آورد. تغییر رویکرد دولت در بخش کشاورزی نشانگر شکست برنامه در تحقق توسعه کشاورزی و ایجاد یک اقتصاد کشاورزی قدرتمند مبتنی بر شیوه تولید دهقانی بود.

اجرای برنامه، زمینه را برای گسترش مناسبات تولید سرمایه‌داری فراهم کرد، اما این روند در بهره‌برداری‌های دهقانی بسیار کند بود. در واحدهای تولیدی که متعلق به دهقان‌های مرفه بود شکلی از سازمان تولید به وجود آمد که زمینه را برای توسعه سرمایه‌داری در روستاها فراهم نمود و روش‌های سنتی تولید به تدریج جای خود را به شیوه‌های نوین دادند، به عبارت دیگر پیدایش این نوع از سازمان تولید کشاورزی مرحله انتقالی شیوه تولید سنتی به سرمایه‌داری محسوب می‌شد. در واحدهای زراعی سرمایه‌داری نیز که در تملک مالکان قرار داشت شیوه تولید سرمایه‌داری توسعه پیدا کرد. به طور خلاصه، اجرای اصلاحات ارضی موجب رشد و گسترش محدود شیوه تولید سرمایه‌داری و مکانیزاسیون کشاورزی در نواحی روستایی شد. یکی از اهداف دولت تغییر در شیوه‌های تولید کشاورزی و تجاری کردن این بخش بود که به شکل محدودی تحقق یافت، اما توسعه روابط سرمایه‌داری نامتوازن بود و بیشتر دهقان‌ها از به کارگیری روش‌های نوین تولید کشاورزی به علت فقر گسترده و حمایت ناکافی دولت و شرایط جغرافیایی منطقه محروم شدند.

توزیع زمین بین زارعان موجب پیدایش طبقه دهقانی شد که مالکیت، مدیریت و امور کشاورزی را به صورت مستقل در دست داشتند. با توجه به گسترش اراضی زراعی منطقه قشر دهقان‌های کم زمین اندک بود و بخش بیشتر این طبقه را دهقان‌های متوسط و مرفه

مرکز آمار ایران، ۱۳۵۴: ۳۷
مؤمنی، باقر؛ (۱۳۵۹). مسئله ارضی و جنگ طبقاتی در
ایران، تهران: پیوند
میر حیدر، حسین. (۲۵۳۵). از تیول تا انقلاب ارضی،
تهران: امیرکبیر.
هالیدی، فرد. (۱۳۵۸). ایران: دیکتاتوری و توسعه،
ترجمه علی طلوع و محسن ولیخانی، تهران: علم.
هوگلاند، اریک. (۱۳۸۱). زمین و انقلاب در ایران
(۱۳۶۰-۱۳۴۰)، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: شیرازه.
Hooglund, Eric. (2005). "The Khushnishin
Population of Iran", Iranian Studies, No. 4,
V. 16, 229-245.

تشکیل می‌دادند. اختلاف در مقدار زمین‌های تحت
تمک و مالکیت عوامل تولید موجب گسترش اختلاف
درآمدی بین زارعان و در نتیجه تشدید شکاف طبقاتی
گشت. همزمان با رشد طبقه دهقانی، طبقه کارگران
روستایی نیز گسترش یافت و بخش زیادی از روستاییان
که به مالکیت زمین دست نیافتند به صورت کارگر در
بخش‌های دیگر اقتصاد به فعالیت مشغول شدند. کاهش
ظرفیت بخش کشاورزی در جذب نیروهای فعال
روستایی موجب تشدید این مسأله شد و بر جمعیت افراد
بیکار افزود. این نیروها نیز به منظور یافتن شغل به مراکز
شهری منطقه و نواحی دیگر مهاجرت کردند.

منابع و مأخذ

ارسنجانی، نورالدین. (۱۳۷۹). دکتر ارسنجانی در آیین
زمان، تهران: قطره.
ازکیا، مصطفی. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی توسعه و
توسعه‌نیافتگی روستایی ایران، تهران: اطلاعات.
اشرف، احمد. (۱۳۵۹). مشخصات اقتصادی و اجتماعی
نظام‌های بهره برداری کشاورزی در ایران، تهران:
سازمان برنامه و بودجه
دفتر تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزش وزارت
آموزش پرورش. (۱۳۶۲). ۱۷۱.
دفتر مطالعات ناحیه‌ای، ۱۳۸۵: ۱۱۶
زنده دل، حسن. (۱۳۶۰). نظام ارضی در روستای ایران،
تهران: سازمان برنامه و بودجه
سوداگر، محمدرضا. (۱۳۷۸). رشد روابط سرمایه‌داری در
ایران (مرحله گسترش) ۱۳۴۴-۱۳۵۷، تهران: فرزین
سوداگر، محمدرضا؛ (۱۳۵۸)، بررسی اصلاحات ارضی،
تهران: پازند
عجمی، اسماعیل ۲۰۰۵ شش‌دانگی، شیراز: توس
عمید، محمدجواد، (۱۳۸۱)، کشاورزی و فقر و اصلاحات
ارضی در ایران، ترجمه رامین امینی‌نژاد، تهران: نی.
قهرمان، بابک. (۱۳۶۱). مسائل ارضی و دهقانی (ایران و
خاورمیانه)، تهران: آگاه.
کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
(کمام): ۳۴۰۴۳؛ ۴۳۰۳۰.
لمبتون، آن. (۱۳۶۲). مالک و زارع در ایران، ترجمه
منوچهر امیری، تهران: علمی و فرهنگی
لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۸۲). تحولات اجتماعی در
روستاهاى ایران، شیراز: نوید.
مجموعه اصلاحات ارضی، ۱۳۴۴: ۱۲۹
مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۴۴: ۲۱